

شنبه 24 فروردین 1398-7 شعبان 1440-13 آوریل 2019

آغاز دومین دوره مشروطه یا تجدید حیات مشروطیت (1288 ش)



آغاز دومین دوره مشروطه یا تجدید حیات مشروطیت (1288 ش)

دومین دوره مشروطه با افتتاح دومین مجلس شورای ملی در تاریخ 24 فروردین 1288 ش برابر با دوم ذیقعده 1327 ق آغاز شد. این دوره با محدودتر کردن مداخله شاه و لغو سیستم صنفی انتخابات به دلیل ناهماهنگی در ترکیب اعضای مجلس شورای ملی و کارشکنی عناصر وابسته به دربار و مداخلات کشورهای خارجی و نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، با مشکلات فراوانی مواجه گردید. مجلس دوم از یک سو با مقاومت در برابر تحمیلات دولت روسیه و انگلیس، رسالتی را که قیام دلیرانه مردم مسلمان ایران برعهده‌اش گذارده بود عمل می‌نمود و از سوی دیگر با استخدام مستشاران خارجی و واگذاری پست‌های مهم به آنان، حیات و نفوذ دوباره روشنفکران غرب‌گرا را جانی دوباره داد. این امر زمینه دخالت بیشتر روس و انگلیس را فراهم آورد و حوادث دردناکی را باعث گردید. قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، آغاز نهضت جنگل در گیلان و قیام تنگستانی‌ها در بوشهر از جمله وقایع مهم و مردمی این دوره به شمار می‌آیند. دوره دوم مشروطه با قدرت‌گیری رضاخان و آغاز دیکتاتوری او رو به افول نهاد و دوره سوم مشروطه از 22 بهمن 1302 آغاز شد.

درگذشت "ژان لافونتن" شاعر و افسانه‌نویس معروف فرانسوی (1695م)

ژان دولافونتن ادیب و نویسنده معروف فرانسوی در هشتم ژوئن 1621م در فرانسه به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات نامرتب اولیه که با مطالعات آزاد همه جانبه کامل شد، به تحصیل الهیات و حقوق پرداخت، اما خیلی زود از هر دو رشته به دلیل عدم علاقه دست کشید و راهی پاریس شد. لافونتن در پاریس در محافل ادبی شرکت جست و از سی سالگی به نویسندگی روی آورد. وی پس از نگارش چند نمایشنامه و منظومه اثر زنده و زیبای خود را به نام فابل‌ها یا افسانه‌ها و داستان‌ها، شامل داستان‌های اخلاقی کوتاه که غالباً قهرمانان آن از حیوانات یا اشیای بی‌جان است، خلق کرد. هر داستان، قصه کوتاهی از جانوران است که رفتاری مانند آدمیان دارند و هر یک مشتمل بر نکته‌ای در رفتار انسانی است که اگرچه ظاهر ساده و جذاب این داستان‌ها، آنها را محبوب اطفال ساخته است، اما بسیاری از آنها، متضمن هجو جامعه معاصر فرانسه و خرده‌گیری‌های جدی بر آن است. در این افسانه‌ها که شامل شش جلد و 124 فابل و داستان است، پند و اندرزهای فراوان دیده می‌شود. او زشتی‌ها و زیبایی‌ها را با لطف و شیرینی تمام و قدرت کلام و اغلب از زبان جانوران بیان کرده است. این اثر، پس از انتشار، شهرتی عالم‌گیر به دست آورد. و درخشانی اشعار و بیان مطالب در این داستان‌ها و لطایف و نکات مندرج در آنها، لافونتن را در زمره اساتید ادبیات جهان قرار داد. لافونتن در این اثر، با استفاده از سنت‌ها و داستان‌ها و آثار فکری شرق، به ویژه کلیله و دمنه، افسانه‌های خود را به شعر درآورد. در فابل‌ها یا افسانه‌ها که تصویری از زندگی انسان بر زمینه زندگی حیوانات است، همه خصوصیات روحی بشر منعکس است. لافونتن از فابل‌های خشک و بی‌روح گذشته، داستان‌های زنده ساخته که در آنها عالم احساس و نظم واقعی طبیعت نمودار می‌گردد. تسلط و زبردستی در قالب اشعار و نیز تیزبینی و در نظر گرفتن نکته‌های اخلاقی، بذله‌گویی‌های عمیق و ظرافت شعر، فابل‌های لافونتن را بر همه تمثیل‌های گذشته برتری داده است. اصالت آثار لافونتن در شیوه پرداخت آنهاست. زمینه سازی یا دورنما سازی، روایتی سریع همراه با دیالوگ‌های نمایشی، گره‌گشایی و نتیجه‌گیری اغلب در یک بیت، یا بیان کوتاهی از اندیشه شخصی، و داستانی که حکایت می‌شود و در برابر دیدگان به نمایش درمی‌آید، از ویژگی‌های آثار لافونتن است. دولافونتن از حکایت همراه با پند اخلاقی روشن، شکل داستانی را آفرید که در آن، روایت، توصیف، مشاهده، طنز و مکالمه ارزش مستقلی دارد و اهمیت اخلاق در حد یک واقعه است. از لافونتن آثار متعددی بر جای مانده که رؤیای مغول و منظومه گنه گنه از آن جمله‌اند. با این حال، افسانه‌های او آن قدر شهرت دارد که شاید اثر کمتر شاعر و نویسنده‌ای آن قدر سرشناس باشد. ژان دولافونتن سرانجام در 13 آوریل 1695م در هفتاد و چهار سالگی درگذشت.

تولد "توماس جفرسون" سیاست‌مدار و نظریه‌پرداز معروف آمریکایی (1743م)

توماس جفرسون، سومین رئیس‌جمهور آمریکا، در 13 آوریل 1743م در ایالت ویرجینیا به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات خود، ابتدا به عنوان وکیل به خدمت پرداخت و با به دست آوردن موفقیت‌های پی در پی، به عضویت کانون وکلای درآمد تا این که به کنگره ملی آمریکا راه یافت. جفرسون از آن پس مدارج ترقی را طی کرد و به مناصب مهم‌ها چون وزارت کشور و معاونت رئیس‌جمهور دست یافت و در نهایت در سال 1800م به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد. وی سال‌ها قبل از آن، پیشنهادی درباره الغاء بردگی داد که رد شد اما آن چنان بر سر این کار پافشاری کرد که به

اشغال اتریش توسط نیروهای متفقین در اواخر جنگ جهانی دوم (1945م)

اتریش پس از جنگ جهانی دوم، کشوری مستقل بود، اما چندی قبل از آغاز جنگ، هیتلر، اتریش را ضمیمه خاک آلمان نمود و سربازان اتریشی نیز به نفع آلمان وارد جنگ شدند. در آوریل 1945م، پس از عقب‌نشینی آلمان از اتریش و اشغال آن توسط دولت‌های متفق، اتریش به چهار منطقه تجزیه شد که هر منطقه توسط یکی از دولت‌های آمریکا، شوروی، انگلیس و فرانسه اداره می‌گردید و وین پایتخت اتریش، تحت اداره مشترک چهار دولت قرار داشت. ده سال بعد، در سال 1955م بین چهار کشور اشغال‌گر و دولت اتریش، قراردادی به امضا رسید که به موجب آن، بی‌طرفی و استقلال اتریش تضمین شده و نیروهای چهار کشور اشغال‌کننده، خاک اتریش را تخلیه خواهند کرد. تخلیه نیروهای اشغال‌گر در سال 1955م پس از ده سال آغاز شد و از آن پس اتریش بی‌طرفی خود را در مناقشات بین‌المللی حفظ نمود.

تصویب رسید. جفرسون هم‌چنین به هنگام نمایندگی کنگره آمریکا، اعلامیه معروف خود را در زمینه استقلال قرائت کرد. او دو دوره ریاست جمهوری آمریکا را برعهده داشت و علی‌رغم میل مردم برای انتخاب دوباره او به ریاست جمهوری، از این کار کناره گرفت. جفرسون مدعی دموکراسی و مخالف نظام سرمایه‌داری بود، با این حال، آشکارا از سلطه مطلق فردی بر کل جامعه و از تمرکز تمامی اختیارات ایالات در دست رئیس جمهور جانبداری می‌کرد. او هرگز این شیوه را نافذ دموکراسی نمی‌دانست. او هم‌چنین با اینکه از آزادی‌خواهی و از حق همه مردم در برخورداری از مزایای اجتماعی سخن به میان می‌آورد، در عین حال از بزرگ‌ترین ملاکان برده‌دار در ویرجینیا محسوب می‌شد. به طور مثال زمانی که به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب می‌شد، تنها در یکی از مزارعش، بیش از یک‌صد و پنجاه برده سیاه‌پوست داشت که در تمامی ساعات روز به کارهای سخت و طاقت فرسا اشتغال داشتند. جفرسون در آغاز دوران دوم حکومت خود در سال 1804م، برای فرار از پرداخت حق تردد کشتی‌های آمریکایی از دریای مدیترانه به دولت‌های شمال آفریقا، کشتی‌های جنگی فراوانی را رهسپار این منطقه کرد و پس از حمله به بنادر شمال آفریقا، از مطالبات مالی دولت‌های آفریقایی جلوگیری به طوری که از آن پس، کشتی‌های اروپایی و آمریکایی بدون پرداخت کمترین وجهی از این منطقه عبور می‌کردند. اما آن چه شخصیت جفرسون را برجسته ساخته، نظرات سیاسی و اندیشه‌های فلسفی اوست. جفرسون در تاریخ آمریکا، یکی از مردانی است که جهانی‌ترین مغزها را داشت. او علاوه بر علایق فلسفی، سیاسی و تربیتی، در موسیقی نیز دارای استعداد بود؛ مخترعی توانا بود و از طالبان عمیق ادبیات، ریاضیات، گیاه‌شناسی، هواشناسی، جانورشناسی، نجوم، نژادشناسی و معماری به شمار می‌رفت. اما همه این علایق متفاوت از میل واحدی سرچشمه می‌گرفت و آن، میل کمک به هم‌وطنان خویش برای رسیدن به دانش بهتر و آزادی بیشتر و زندگی مرفه‌تر بود. هدف عمده او در زندگی، کمک به ایجاد و استقرار جامعه آزادی بود که در آن برای تمام افراد، فرصت مناسب جهت انجام وظایف اجتماعی و نیل به سعادت و خوشبختی‌های شخص وجود داشته باشد. جفرسون از هواخواهان جدی تعلیم و تربیت برای همه، تساهل مذهبی و الغای بردگی بود. اساس اندیشه‌های سیاسی جفرسون، تساوی حقوق و تبدیل حکومت‌ها به دموکراسی بود. به نظر او، حکومت دموکراسی تنها حکومتی است که نمی‌تواند چه در ظاهر و چه در باطن برای همیشه با حقوق مردم ستیزه کند. فلسفه او بر پایه اصل اعتماد متقابل نهاده شده است. از دید جفرسون، به دلیل این که برخی غیرقابل اعتمادند نباید همه را نامعتمد به شمار آورد. توماس جفرسون 18 سال آخر عمر را در ملک شخصی خود به نویسندگی، کشاورزی و نواختن موسیقی پرداخت تا این که در چهارم ژوئیه 1826م در 83 سالگی درگذشت.